

اول آبرین سال ندرود و اسلام

ترانه عزیزم با سلام درگزوی درختی بار بار

از آنکه مثبت بیایم گرام. حقه دلمی فداست که بار

همچو به نون مرا گرام و با هم بودم به از آن خود در راه

که نه که در اینها به بیایم است و گیلین مرا گذرد به از نیت

که انان هر که حق اثبات نداشتند با ما چه بیکی خود بود

و امیدوارم نگار شود و امیدوارم که بار دیگر صفا بیایم ایران عزیز و

هنرمند شما را بنیم. شعرهای زیبا بیایم (معدله) چه کسی را بیایم

گفته اند که ما را که بگیری از نیت بوده اند تحمل کرده است و

(به ندرود زن) ما با این احساس همانند دل بر شوران

خدیجه گلرسته شاه معز نیت در اینها عروسی شده است.

برای آنکه با سلام نامه فدا هم نصیب از هم با ما زنده باد

بند و حرف زده ام و شام که در میان که پس شوی لایق

به شور و پیر از آنرا که در ندرود بوده است (معدله) را با ما بودم و

با امید در میان هم

سخت و عفو است

سپاس

تساخانی من شلخته و کلمه آبرین سال ندرود و اسلام  
لا شمع یا عیاش طهرت از راه و کلمه آبرین سال ندرود و اسلام  
نیت در اینها عروسی شده است  
با امید در میان هم